

پاریس چگونه مادرید را به چهارمیخ کشید؟
سن ژرمن دیگر تیم نیست
هیولاست

بعضی شب‌ها فوتبال شبیه رمان‌های پلیسی است، پر از غافلگیری، رمز و راز و پایان‌هایی غیرقابل پیش‌بینی، اما در ششی که پاری سن ژرمن برابر رئال مادرید

صفارایی کرد، هیچ معمایی در کار نبود؛ همه چیز از دقیقه اول شفاف بود: پاریس آمده بود تا حریف را له کند و هیچ راه گریزی هم باقی نگذاشت. از همان سوت آغازین، پاریسی‌ها با فشار مرگبار و سرعت سرسام‌آور، مثل موجی عظیم به سمت دروازه مادریدی‌ها هجوم آوردند.

رئال هنوز داشت جایگیری خودش را روی زمین پیدا می‌کرد که نخستین ضربه کاری را خورد. فابین در حرکتی دقیق، با خونسردی توپ را از لایه‌لای مدافعان ربود و گل اول را کاشت. تماشاگران تازه نفسی تازه کرده بودند که دمبله، همان مهاجم بی‌قرار، با فراری انفجاری به قلب دفاع زد و توپ را به تور چسباند. ۲ گل در کمتر از ۱۰ دقیقه، ضربه‌ای بود که روحیه رئال را در همان ابتدا در هم شکست.

■ رئال، تسلیم سرعت

بعد از شوک اولیه، مادریدی‌ها سعی کردند خودشان را جمع و جور و فشار پاریسی‌ها را مهار کنند. اما چطور می‌شود در مقابل قطاری که بدون توقف در حال حرکت است، مقاومت کرد؟ هر بار بازیکنان رئال به توپ نزدیک می‌شدند، با چند پاس برق‌آسا، پاریس دوباره کنترل را به دست می‌گرفت و مثل آرکستری هماهنگ، موج جدید حمله را آغاز می‌کرد.

مهم‌ترین تفاوت تیم در یک کلمه خلاصه می‌شد: سرعت. سرعت در فکر، سرعت در اجرا و حتی سرعت در بازگشت به دفاع. بازیکنان پاریس مثل ربات‌های فوق‌پیشرفته عمل می‌کردند و هیچ راه نفوذی برای رئال باقی نمی‌گذاشتند این سرعت جنون‌آمیز باعث شد بازیکنان مادرید بیشتر اشتباه کنند، بیشتر عقب بکشند و در نهایت، اعتماد به نفس‌شان مثل شمع‌ی در باد خاموش شود.

■ پاریس، هیولای تمام‌عیار

گل سوم پیش از دقیقه ۳۰، تیر خلاص بود. در این لحظه، دیگر کمتر کسی امید ی به بازگشت رئال داشت. آنها به جای حمله، به دنبال آن بودند اختلاف بیشتر از این نشود. خط دفاع، به جای سد کردن مسیرها، مثل دروازه‌ای باز بود و خط میانی، در هر نبرد تن به تن، بازنده می‌شد. پاریس اما ولعش سیری‌ناپذیر بود. بازیکنانی مثل دونه، دمبله و کوارانسخلیار هر بار با جابه جاشدن‌های هوشمندانه، مدافعان رئال را مثل عروسک‌هایی دست‌پاچه به دنبال خود می‌کشاندند. ونینسیوس و امبیا، ستاره‌های همیشگی، در این بازی نه تنها ستاره نبودند، بلکه شبی‌ی از خودشان بودند؛ خاموش، بی‌اثر و درمانده.

در این آشوب، کورتوا تلاش کرد با واکنش‌های معجزه‌وار، تیمش را زنده نگه دارد اما مگر می‌شود با یک دست، جلوی سقوط یک ساختمان را گرفت؟ فشار پاریس آنقدر شدید و همه‌جانبه بود که حتی بهترین دروازه‌بان جهان هم در نهایت تسلیم شد.

■ هیچ جایی برای شعر باقی نماند!

فوتبال معمولاً صحنه شعر و خیال است، جایی برای الهام و خلق لحظات شاعرانه اما مقابل پاریس، هیچ جایی برای چنین تصاویری باقی نمی‌ماند. این تیم، فوتبال را از قالب زیبایی کلاسیک خارج و به یک ابزار نابودگر تبدیل کرده است.

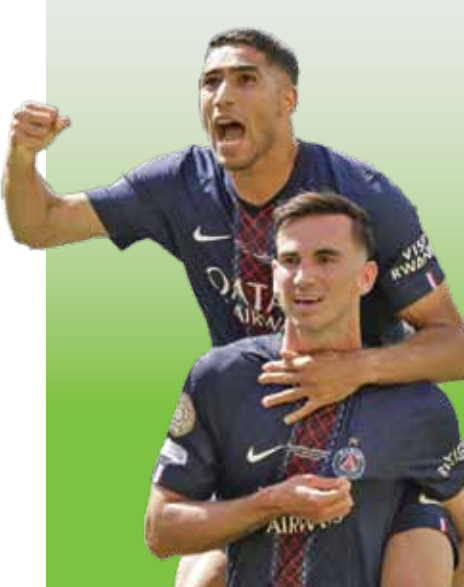
وقتی توپ به پاریسی‌ها می‌رسد، همه چیز شبیه اجرای یک رقص مرگبار می‌شود. پاس‌ها با دقت جراحی، حرکات بدون توقف و دودین بی‌امان مثل شلیک گلوله. در این مدل بازی، فرصت فکر کردن و رویا بافتن وجود ندارد. یا می‌میری، یا زنده می‌مانی.

بازیکنان رئال انگار در کوری ناشناخته رها شده بودند؛ بدون آب، بدون نقشه و بدون امید. هر بار که می‌خواستند نفسی تازه کنند، پاریس با موج بعد حمله می‌رسید و دوباره آنها را زیر آب می‌برد. این بازی، نمایشی از یک سلطه تمام‌عیار بود. پاریس در بازی با مادرید نیز مانند دیدار با اینتر نشان داد فقط برای بردن نیامده؛ آمده له کند، درهم بشکند و تا مدت‌ها در ذهن حریفان بماند.

■ تسخیر جهان در چند گام

پاریسی‌ها این روزها مثل لشکری بی‌رحم، از هر مانعی عبور می‌کنند. فعلاً هیچ تیمی را مقابل‌ه این ماشین جنگی را پیدا نکرده است. با این نمایش، آنها ثابت کردند فقط قهرمانی نمی‌خواهند؛ آنها به دنبال ساختن یک افسانه‌اند؛ افسانه‌ای که در آن، هیچ تیمی حتی جرات نفس کشیدن هم نداشته باشد.

در پایان، تابلوی نتایج تنها نشان‌دهنده چند گل اختلاف بود اما شکافی که در روح و روان رئال ایجاد شد، عمیق‌تر از هر آمار و عددی است. پاریس حالا تیمی است که هر قدمش لرزه بر اندام حریفان می‌اندازد؛ تیمی که نه فقط در زمین، بلکه در ذهن هم، روان رقیب را در هم می‌کوبد. این پاریس، دیگر فقط یک تیم نیست؛ یک سونامی است، یک افسانه در حال شکل‌گیری و جهان فوتبال، فعلاً تنها یک چاره دارد: تماشای این تسخیر بی‌امان.



آسیا دوباره شاهد یک حماسه ایرانی شد؛ جایی که تیم‌ملی کشتی فرنگی جوانان کشورمان در بیشکک، پایتخت قرقیزستان، یک نمایش تمام‌عیار از قدرت، غیرت و تکنیک ارائه کرد. این بار پسران فرنگی‌کار ایران با ۴ مدال طلا، ۵ نشان برنز و تنها یک جای خالی روی سکو، پیام واضحی به رقبای دادند: ما آقا و پادشاه این قاره‌ایم! چه جوانان‌مان چه بزرگسالان‌مان.

در پایان این تورنمنت داغ، ایران با ۱۸۵ امتیاز قاطعانه روی سکوی نخست ایستاد و قزاق‌ها، قرقیزها و دیگر مدعیان را پشت سر گذاشت.

■ احمدی؛ فرمانروای سبک‌وزن

در وزن ۵۵ کیلوگرم، پیام احمدی مثل یک گلاباتور وارد تشک شد. او در همان گام نخست، حریف ترکمن را با باراندازهای رعدآسا تسلیم کرد و در مرحله بعد، کشتی‌گیر قزاق را از پا درآورد. دیدار فینال اما به معنای واقعی، یک نبرد حیثیتی بود. احمدی بدون دره‌ای تردید، با اجرای فنون تماشایی، کشتی‌گیر قرقیز را مقهور قدرت خود کرد و مدال طلا را مثل یک تاج پادشاهی بر سر گذاشت. او با این نمایش، نشان داد یک ستاره واقعی در راه است.

■ حسینی؛ بازگشت از لبه پر نگاه

سیدامان حسینی در ۶۰ کیلوگرم یکی از پرهیجان‌ترین مسیره‌ها را طی کرد. او در دور نخست حریف ژاپنی را با اقتدار شکست داد و همه انتظار ادامه این روند را داشتند. اما در دومین مبارزه، مقابل کشتی‌گیر هندی غافلگیر شد



وقتی دختران تیم ملی فوتبال ایران پیش از آغاز مصاف با سنسگاپور در خطی صاف و منظم ایستادند و دست راست خود را با صلات به پیشانی رساندند، همه فهمیدند این بازی فقط یک مسابقه ساده فوتبال نیست. در آن لحظه، سکوت سنگین ورزشگاه به احترام روح بزرگی که در این حرکت موج می‌زد، شکست. این سلام نظامی، در واقع ادای دینی بود به شهدای جنگ اخیر تحمیلی رژیم صهیونیستی علیه کشورمان؛ جنگی که بار دیگر غیرت و ایستادگی ایرانی‌ها را به جهنمیان یادآوری کرد.

این حرکت، نشان‌دهنده پیوند عمیق ورزش و مفاهیم ملی بود. هر چند بسیاری تصور می‌کنند زمین فوتبال جای سیاست یا جنگ نیست اما وقتی پای عزت ملی وسط باشد، همه چیز رنگ دیگری می‌گیرد. بازیکنان ایران با این احترام نظامی، نشان دادند حتی در میانه زمین مسابقه و در لحظه آغاز یک رقابت ورزشی، مدافعان و قهرمانان شهید کشورشان را فراموش نمی‌کنند.

ایبن ادای احترام، یک پیام قدرتمند برای مردم ایران و حتی فراتر از مرزها بود: ما پشت هم ایستاده‌ایم، ما ادامه‌دهنده راه هم هستیم؛ چه در میدان جنگ و چه در زمین فوتبال. آن چند ثانیه شاید برای تماشاگر خارجی صرفاً یک ژست ساده بود اما برای هر ایرانی، تداعی‌کننده ایستادگی، اتحاد و وفاداری است؛ ارزشی که این روزها بیش از همیشه به آن نیاز داریم.

دختران ایران نشان دادند قبل از هر چیز، ایرانی‌اند و ادامه‌دهند در هر شرایطی پرچم کشورشان را بالا نگه دارند؛ چه در برابر دشمن در جبهه، چه مقابل حریف در زمین مسابقه.



آبی‌های پایتخت در روزهای گرم تابستان، تمرینات پیش‌فصل را استارت زدند اما حضور ناقص چهره‌های نام‌آشنای این تیم، همه نگاه‌ها را به خود جلب کرد. استقلال که این روزها در حال آماده‌سازی برای لیگ بیست‌و پنجم است، در همان گام نخست با غیبت عجیب چند ستاره رویه‌رو شد؛ بازیکنانی که هنوز تحت قرارداد باشگاه هستند اما خبری از آنها در کمپ تمرینی نبود.

ایمان سلیمی، زیرنیک‌نفس و امیرعلی صادقی ۲۳ بازیکنی هستند که اگرچه نام‌شان در فهرست استقلالی‌ها قرار دارد اما فعلاً دستور استراحت گرفته‌اند و از تمرینات خط خورده‌اند. این تصمیم فنی کادر ساینپتو، احتمالات متعددی را به ذهن می‌آورد؛ از احتمال فسخ یک‌طرفه تا انتقال قرضی یا حتی فروش دائم.

قهرمانی جوانان فرنگی‌کار ایران در آسیا با ۹ مدال در ۱۰ وزن

غرش شیران در بیشکک



اول مقابل چینی‌ها نشان داد قرار نیست به راحتی تسلیم شود. او با حرکات انفجاری و دفاع‌های محکم، راهی نیمه‌نهایی شد. هرچند در آن مرحله مقابل کشتی‌گیر ازبک شکست خورد اما در دیدار رده‌بندی مثل یک توفان ظاهر شد و با ضربه فنی تماشایی، کشتی‌گیر هندی را نابود کرد. سعیدی‌نوا یکی از آینده‌دارترین فرنگی‌کاران ایران است که قطعاً در سال‌های آتی نامش را زیاد خواهیم شنید.

■ بویری؛ مشت آهنین

اهورا بویری در ۷۷ کیلوگرم همان جنگجویی بود که ایران نیاز داشت. او پس از استراحت در دور نخست، با اقتدار رقیب چینی را شکست داد و در نیمه‌نهایی، کشتی‌گیر ژاپنی را با ضربه فنی غافلگیر کرد. در فینال، بویری با اجرای یک‌سری فنون برق‌آسا، کشتی‌گیر قزاق را از نفس انداخت و دومین طلای خود و ایران را کسب کرد. او با این عملکرد، پیام روشنی به رقبای داد: مراقب باشید، نسل جدید ایران آمده تا تاریخ بسازد.

■ کشتکار؛ نجات در واپسین ثانیه

در ۸۷ کیلوگرم، حمیدرضا کشتکار پس از ۲ برد مقتدرانه، در نیمه‌نهایی مقابل کشتی‌گیر قدرتمند قزاقستانی متوقف شد اما در مسابقه رده‌بندی، با فنون سنگین و مدیریت مبارزه، حریف چینی را تسلیم کرد و به مدال برنز رسید. او نشان داد در کشتی، هیچ وقت تا سوت آخر نمی‌توان نتیجه را پیش‌بینی کرد.

■ صیدی؛ هیولای بی‌مدا

محمدحسین صیدی در ۹۷ کیلوگرم، با آرامش و اعتمادبه‌نفس، رقیب ازبک را مغلوب کرد و در ادامه، کشتی‌گیر هندی را از سر راه برداشت. در فینال، او یک

و نتوانست پیروز شود. بسیاری او را حذف‌شده می‌دانستند اما وقتی فرصت مبارزه رده‌بندی پیش آمد، حسینی مثل یک جنگجوی شکست‌ناپذیر برگشت و با یک برد مقتدرانه مقابل کشتی‌گیر قزاقستان، مدال برنز را از آن خود کرد. این بازگشت، نقطه اوج نمایش حسینی بود.

■ ابوطالبی؛ بیداری در آخرین لحظه

در ۶۳ کیلوگرم، محمدجواد ابوطالبی شروعی توفانی داشت. او ابتدا نماینده عربستان و سپس کشتی‌گیر تاجیک را با نتیجه‌های قاطع حذف کرد اما در نیمه‌نهایی، یک غفلت کوچک باعث شد به حریف قرقیز بیازد و به رده‌بندی برود. اینجا بود که روحیه واقعی خود را نشان داد. در نبرد برنز، ابوطالبی با کنترل هوشمندانه، رقیب ازبک را از پیش رو برداشت و به مدالی ارزشمند دست یافت. این مبارزه برای او معنایی فراتر از یک پیروزی ساده داشت؛ او ثابت کرد روحیه جنگندگی ایرانی هیچ وقت خاموش نمی‌شود.

■ عبدولی؛ مردی با قلب فولاد

در ۶۷ کیلوگرم، غلامرضا عبدولی آرام و ساکت و کم‌حرف، روی تشک مثل یک شیر خروشان ظاهر شد. بعد از عبور از کشتی‌گیر قزاق در مرحله دوم، در نیمه‌نهایی مقابل حریف قرقیز کم آورد. با این حال، در مسابقه رده‌بندی با تمام توان برگشت و با ضربه‌های سهمگین، رقیب تاجیک را نقش زمین کرد. عبدولی در هر مبارزه، قدرت بدنی فوق‌العاده و تاکتیک‌های هوشمندانه‌اش را به رخ کشید و با مدال برنز، یک خاطره ماندگار ساخت.

■ سعیدی‌نوا؛ آتش‌بازی در لحظه آخر

در ۷۲ کیلوگرم، امیرمهدی سعیدی‌نوا از همان مبارزه

ادای احترام تیم‌ملی فوتبال بانوان ایران پیش از آغاز نبرد با سنسگاپور

سلام به پیروزی



■ جشنواره گل در امان

شبان افتاد. او هم با یک ضربه بُرنده و محکم با پای چپ، دروازه حریف را فروریخت و نخستین شادی را به اردوی ایران تزریق کرد. چند دقیقه بعد، داور صحنه‌ای مشکوک به هند را داخل محوطه جریمه سنسگاپور، پنالتی اعلام کرد اما پس از رازبینی با کمک‌داوران، تصمیمش را پس گرفت و ایران از پنالتی محروم شد. با این حال، دختران ایران به حملات خود ادامه دادند و بارها دروازه‌بان سرسخت سنسگاپور را آزموندند اما بدشناسی و واکنش‌های تماشایی گلر رقیب مانع افزایش تعداد گل‌ها شد.

شروع نیمه دوم، حکم یک توفان تمام‌عیار را داشت. هنوز بازی دوباره گرم نشده بود که عزیزاده با یک حرکت تماشایی، توپ را از

محمدحسین مرادمند هم که فصل پیش بار بخشی از خط دفاع استقلال را به دوش می‌کشید، در حال حاضر هیچ قراردادی با آبی‌ها ندارد و عملاً در بلاکلیفی به سر می‌برد. ساینپتو ظاهراً هیچ علاقه‌ای به تمدید قرارداد با او نشان نداده و این مدافع باید هرچه زودتر برای آینده‌اش تصمیم بگیرد و تیم جدیدش را پیدا کند.

اما جددا از این غایبان پر سر و صدا، ۲ کاپیتان باشگاه برای تمدید قرارداد به هنوز در ابهام کامل هستند. روزیه چشمی پس از بازگشت از امارات، با مدیران باشگاه بر سر مبلغ قرارداد به اختلاف جلی خورده است. در حالی که باشگاه تلاش دارد قبل از اردوی ترکیه تکلیف او را

مشخص کند، فعلاً هیچ توافقی در دست نیست. چشمی که سال‌هاست پیران آبی را به تن دارد، حالا در بزرنگاه سختی قرار گرفته؛ ماندن با شرایط جدید یا خداحافظی بی‌صدا. از آن طرف، سیدحسین حسینی، کاپیتان آبی‌ها شرایطی حتی پیچیده‌تر دارد. او در فضای مجازی پرده از حقیقت برداشت و خبر داد به‌رغم توافقات اولیه، هیچ حرکتی از سمت باشگاه برای تمدید قرارداد صورت نگرفته است. شایعات حاکی از آن است که استقلال بعد از جذب حبیب فرعباسی، در حال مذاکره با یک دروازه‌بان خارجی است و دیگر تمایلی به حفظ حسینی ندارد.

با این حال، حسینی فعلاً

شاهکار تمام معنا خلق کرد؛ حریف کره‌ای را با ضربه فنی از میدان به در کرد و سومین مدال طلای ایران را به گردن آویخت. صیدی، شاید ساکت‌ترین قهرمان این تورنمنت بود اما عملکردش بلندترین صدا را داشت.

■ فتحی؛ غول قاره کهن

ابوالفضل فتحی در وزن ۱۳۰ کیلوگرم، کار را به جایی رساند که همه سالن در سکوت به او خیره شد. او ابتدا با اقتدار کشتی‌گیر قرقیز و سپس رقیب چینی را شکست داد و به فینال رسید. در فینال، با اقتدار، حریف ازبک را ضربه فنی کرد و چهارمین طلای ایران را به خانه برد. فتحی نشان داد سنگین‌وزن‌ها هم می‌توانند جذاب‌ترین مسابقات را رقم بزنند.

■ محمدحسینی؛ تجربه تلخ اما آموزنده

تنها کشتی‌گیری که به مدال نرسید، علیرضا محمدحسینی در وزن ۸۲ کیلوگرم بود. او در ۲ مبارزه ابتدایی مغلوب شد اما در آخرین مبارزه با غیرت پیروز شد. با این حال، این نتیجه نشان داد حتی شکست هم می‌تواند معلم بزرگی باشد. محمدحسینی، با تمام تلخی این مسابقات، به تجربه‌ای ارزشمند دست یافت که در آینده شاید هر گشای قهرمانی‌های بزرگ‌تر باشد.

■ تسلط بر قاره

ایران با ۱۸۵ امتیاز قاطعانه قهرمان شد و بار دیگر نشان داد جوانانش آماده‌اند هر میدان آسیایی را فتح کنند. این تیم حالا آماده است تا در رقابت‌های جهانی و حتی المپیک، دنیا را هم به زانو دریاورد. این قهرمانی، فقط یک پیروزی ورزشی نبود، بلکه نمایش وحدت، شجاعت و آینده‌سازی بود.

بالای مدافع عبور داد و در ادامه با پاس رو به عقب استاده، سارا دیدار را در موقعیتی عالی قرار داد. او هم با یک ضربه بی‌نقص، تور دروازه را برای دومین بار لرزاند و امیدهای حریف را نقش بر آب کرد. پس از این گل، بازیکنان سنسگاپور به ترندهای وقت‌کنی پناه بردند تا شاید روند گلزنی ایران را متوقف کنند اما تلاش‌های‌شان بی‌ثمر بود. دقیقه ۷۷، فاطمه شیان با یک سانتر خطرناک توپ را به مقابل دروازه فرستاد ولی پیش از آنکه مهاجمان ایران به توپ برسند، مدافع سنسگاپور در یک اشتباه عجیب، توپ را وارد دروازه خودی کرد تا سومین گل ایران به شکلی غافلگیرکننده ثبت شود. اما این پایان ماجرا نبود. دقیقه ۸۶، زهراقنبری، کاپیتان باتجربه تیم ملی، با یک حرکت انفرادی تماشایی از جناح چپ نفوذ کرد، مدافعان را جا گذاشت و با ضربه‌ای دقیق توپ را درون دروازه جای داد تا چهارمین و آخرین گل ایران روی تابلو نقش ببندد. قنبری بعد از گل، شادی‌اش را با اشارهای احساسی به پدرش تقدیم کرد و این لحظه، یکی از زیباترین قاب‌های بازی شد.

پیروزی مقتدرانه ۴ بر صفر مقابل سنسگاپور، پیام روشنی به سایر تیم‌های گروه مخابره کرد: ایران آماده است برای صعود بهجنگ و هیچ تیمی نمی‌تواند مانع این لشکر تازهنفس شود. حالا دختران جعفری با اعتمادبه‌نفس بالا و روحیه‌ای کم‌نظیر، چشم به دیدارهای حساس بعد مقابل بزرگ، لبنان و بویژه اردن دارند. مسیری که می‌تواند در نهایت، تاریخ‌سازی و حضور دوباره در جام ملت‌ها را رقم بزند.

این ۴ گل فقط یک شروع بود؛ شروعی که نوید یک دوران تازه را می‌دهد؛ دورانی پر از امید، جسارت و غرور ملی. ایران نشان داد در فوتبال زنان، دیگر چشم به آبی‌ها دوخته و منتظر روشن شدن تاختن و فتح قلمه‌هاست.

دست نگه داشته و امیدوار است در این یکی دو روز، معجزه‌ای رخ دهد و دوباره چراغ سبزی از طرف باشگاه دریافت کند. با وجود پیشنهادهایی که از لیگ برتر برایش رسیده، او هنوز چشم به آبی‌ها دوخته و منتظر روشن شدن تکلیف نهایی است.

اینطور که به نظر می‌رسد، استقلال پیش از سفر به ترکیه، درگیر یک جدال پیچیده داخلی است. اختلافات مالی، سیاست‌های فنی ساینپتو و تغییرات مدیریتی، همگی دست به دست هم داده تا معمای بزرگ نقل‌وانتقالات آبی‌ها را پیچیده‌تر از همیشه کند. شاید در روزهای آینده، خبرهای داغ‌تری از لیست خروجی و ورودی استقلال بیرون بیاید و تکلیف کاپیتان‌ها و ستاره‌های نیمکت‌نشین، روشن شود. این روزها کمپ استقلال، بیش از آنکه شبیه محل تمرین باشد، یادآور صحنه یک فیلم مهیج است؛ پر از گره، تعلیق و تصمیم‌های سخت. داستانی که هنوز پایانش نامعلوم است و هواداران را هر روز با شایعات و اخبار تازه درگیر می‌کند.